



فهرست

۲	لهو و لعب .....
۲	نگاهی به مطالب پیشین .....
۲	لغو .....
۲	نکات تکمیلی بحث .....
۳	نکته اول: احکام اولیه و ثانویه بازی ها .....
۴	نکته دوم: تبدل موضوعی بعضی بازی ها .....
۵	احتمالات در مسئله .....
۶	احتمال اول .....
۷	احتمال دوم .....
۷	نکته سوم: زوایای مسئله .....
۸	بیاناتی پیرامون دهه عاشورا و امام حسین (علیه السلام) .....



بسم الله الرحمن الرحيم

## لهو و لعب

### نگاهی به مطالب پیشین

بحث در لهو و لعب و بازی‌ها و سرگرمی‌ها بود و عرض شد که یک بحث فقهی این است که به هر چه که در زندگی نقش ملهی را ایفا کند و ما را از انجام تکالیف باز دارد نهی‌هایی تعلق گرفته است. در اینجا بحث سرگرمی‌ها و بازی‌ها به معنای خاص نیست هر چه که مانع از ذکر الله باشد مورد نهی قرار گرفته است. چه نهی تحریمی چه نهی تنزیهی. این نهی طبعی است و به این دلیل است که هر امری که بازدارنده از تکالیف شود، مبعوضیت پیدا می‌کند. این مبعوضیت از ناحیه امر به شیء نهی از ضد است و چون این‌ها ضد انجام تکالیف است، مورد مبعوضیت قرار گرفته است. مقوله بعد این است که در بازی‌ها و سرگرمی‌ها به معنای مطلق و خاص نه غیر نسبی، یعنی چیزهایی که عرفاً سرگرمی و بازی و لهو به شمار می‌آیند، در اینجا هم گفته شد که بخشی از این‌ها با عناوین شدید مثل غنا و قمار مورد نهی قرار گرفته است و حرام است، اما در مطلق لهو این‌گونه نیست و نمی‌توانیم نهی تحریمی را بپذیریم، البته نهی تنزیهی وجود دارد. این حاصل این بحث شد.

## لغو

در لغو هم مرحوم شیخ اشاره‌ای کرده‌اند و در آن به ادله‌ای تمسک شده است که مطلقاً حرام است و آن هم معلوم است. این ادله چند تایی بیشتر نیست و یا ضعیف است و یا اگر درست هم باشند و سند هم تمام باشد، قرینه قطعی وجود دارد که نمی‌توان گفت مطلق لغو، لهو و لعب حرام است و سیره قطعی وجود دارد، قرائن قطعی وجود دارد که نمی‌شود در این‌ها منع تحریمی به اطلاق کرد. البته منع تنزیهی در این موارد وجود دارد.

### نکات تکمیلی بحث

با توجه به اینکه در اینجا نهی تنزیهی وجود دارد چند نکته را در تکمیل بحث عرض می‌کنم.



## نکته اول: احکام اولیه و ثانویه بازی‌ها

نکته اول اینکه گرچه لعب و لهو به عنوان اولی نهی تنزیهی دارد، در واقع حکم مطلقى که همه موارد را به شکل عام شامل می‌شود کراهت است، این عام و مطلق می‌شود اما لهو و لعب و سرگرمی‌ها با عناوین مقید و عناوین ثانویه می‌تواند به احکام خمسه متصف شود. یعنی سرگرمی و بازی می‌تواند به احکام خمسه متصف شود. قاعده اولیه که بر روی عنوان لهو و لعب آمده است کراهت و تنزیه از مطلق لهو است اما کراهت مطلق جاهایی تقیید خورده است.

یک گروه بازی‌ها و سرگرمی‌ها تقیید خورده است و مستحب و ممدوح شمرده شده است مانند سبق و رمایه و احياناً شنا و امثال آن. پس یک گروه از حالت کراهت خارج شده است و جزء مستحبات شده است. عام مطلق کراهت در این موارد تخصیص می‌خورد و گفته می‌شود که این موارد مستحب است. موارد مستحب در جاهای دیگر هم هست، مثلاً شوخی با حدودی که در آن تعیین شده اگر آن را هم لعب و لهو بدانیم به خصوص در سفر، حتی ممدوح است، به خصوص وقتی موجب ادخال سرور در قلب دیگران شود. (امروز می‌خواهم نقشه راه مسئله را ترسیم کنم و نمی‌خواهم تفصیل این مباحث را بگویم). پس یک گروه از بازی‌ها و سرگرمی‌ها و امور غیر جدی وجود دارد که از حالت کراهت و تنزیه خارج شده است و مستحب شده است.

گروه دوم سرگرمی‌ها و بازی‌هایی است که از عام کراهت خارج شده است و به حرمت مبدل شده است. لهوها و سرگرمی‌هایی که به عناوین خاص تقیید خورده است و حرام شده است. گروه اول با عناوین خاص تقیید خوردند و کراهت آن‌ها مستحب شد، گروه دوم مقیدات خاصه آمده است و آن‌ها را حرام کرده است، مثل غنا و قمار و مانند آن. این دو گروه با عناوین خاص از کراهت بیرون رفته است، یک گروه مستحب شد و یک گروه حرام شد.

در سرگرمی و بازی می‌توان گفت این سه حکم با عناوین خاص وجود دارد. حکم اولیه کراهت مطلق است، یک جاهایی قید خورده است و مستحب شده است و یک جاهایی هم با عناوین خاص حرام شده است. این سه تا با عناوین اولیه و خاص است اما در عین حال با عناوین ثانویه می‌توان حتی برای وجوب هم مصداق پیدا کرد. یک سری از عناوین هم وجود دارد که می‌تواند برای بازی، عناوین دیگر غیر کراهت را بیاورد. یا عناوینی وجود دارد که ممکن است بازی‌ها را در یک جاهایی واجب کند. ممکن است در جایی سرگرمی و بازی واجب شود، مثلاً جایی که بازی‌ها و سرگرمی‌هایی وجود دارد که آمادگی رزمی ایجاد می‌کند در حدی که لازمه جامعه است یا سرگرمی‌هایی است که آثار تربیتی ویژه‌ای بر آن مترتب است که ممکن است واجب شود.



بنابراین عناوین عامه‌ای وجود دارد که احیاناً بازی را مبدل به امر واجب می‌کند. همان‌طور که عناوین عامه‌ای هم وجود دارد که ممکن است سرگرمی‌ها را حرام کند، البته نه به عنوان خاصی که گفته شد که غنا و قمار باشد، بلکه با عناوین عامه حرام کند.

عناوین عامه آنجایی است که مثلاً یک سرگرمی و بازی مضر به جسم و جان باشد در حدی که اضرار به نفس حرام است. یا جاهایی که موجب ایجاد روحیه شهوانی یا روحیه‌ای که رذائل اخلاقی در آن است شود که در اینجا هم حرام می‌شود. یا اینکه برد و باخت باشد و گفته شد که برد و باخت اختصاص به قمار ندارد، هر جایی که بین بازی کنندگان و بازیگران برد و باخت باشد. این هم یکی از عناوین عام است که بازی که با برد و باخت باشد ولو اینکه قمار هم نباشد حرام است یا بازی‌هایی که مانع از انجام تکلیف شود، حرام است.

یا همان‌طور که بعضی از روانشناسان می‌گویند بعضی از امراض روحی را با بعضی از سرگرمی‌ها می‌شود معالجه کرد، بین بازی و ورزش تقریباً یک حالت عموم و خصوص من وجهی وجود دارد. بعضی از ورزش‌هایی که حالت سرگرمی دارد گفته می‌شود که گاهی معالجه امراض و اضطرابات روحی می‌کند. اگر این‌ها مقدمه معالجه اضطرابات روحی باشد گاهی مستحب است و گاهی ممکن است در حد مقدمه واجب باشد.

بنابراین نقشه کلی مسئله این است که سرگرمی و بازی حکم طبعی و مطلق آن کراهت است اما با عناوین مقید خاص یا با عناوین مقید عام می‌تواند احکام واجب یا تحریم یا استحباب پیدا کند. منتهی این حالت‌ها که بر بازی‌ها و سرگرمی‌ها پیدا می‌شود بعضی با عنوان اولیه خاص است، یعنی در روایات گفته می‌شود سبق و رمایه مستحب است یا مثلاً غنا و قمار حرام است، اما خیلی از موارد با عناوین عامه فقهی یعنی قواعد عامه‌ای که حالت اولیه را تقیید می‌زند می‌باشد.

## نکته دوم: تبدل موضوعی بعضی بازی‌ها

یک نکته دیگر در اینجا هست که احتمالی وجود دارد که موضوع بعضی از بازی‌ها یا موضوع انواعی از بازی‌ها متحول شده است. این ادعایی است که ممکن است کسی مطرح کند. خیلی از بازی‌هایی که الآن وجود دارد در گذشته فقط برای سرگرمی یعنی برای یک تفریح و تفرجی بوده است ولی الآن خیلی از همان بازی‌های قدیم یا بازی‌های جدید روی آن طراحی می‌شود و روی آن نقشه پیاده می‌شود و دقیقاً این بازی و سرگرمی هدفی را تعقیب می‌کند و کسی که بازی را انجام می‌دهد نهایتاً یک نوع فکر ریاضی پیدا می‌کند یا نوعی فضیلت یا رذیلتی در او به صورت



ملموس تقویت می‌شود. ممکن است کسی در واقع این ادعا را بکند که مطلقاتی که راجع به لهو و لعب هست، در صورتی است که در بازی هدف‌های ویژه‌ای منظور نشده باشد.

اگر در بازی هدف‌های معینی پیگیری شود و دقیقاً روی آن مطالعات انجام شده باشد و با این بازی بخواهند به آنجا برسند حکم دیگری پیدا می‌کند. مثل کارهایی که در فیلم‌های هالیوودی وجود دارد که طرح و نقشه بسیار مهمی در پشت سر این فیلم‌ها وجود دارد و مهم‌ترین نقشه آن هم همان‌طور که خودشان می‌گویند این است که سبک زندگی غربی را در همه جهان سرایت دهند و تعمیم دهند. واقعاً همه کارهای هنری ضمن اینکه سرگرمی است هدف خیلی کلان جهانی را دنبال می‌کند و به خیلی از آن اهداف هم می‌رسند. این در فیلم بود که یک کار هنری است و آن هم نوعی سرگرمی است، نظیر آن در بازی‌ها است.

انواع مختلفی از بازی‌ها در عالم وجود دارد که خودش یک دانش مفصل است، انواع بازی‌ها خودش یک علم است و در حد یک رشته و گرایش در دنیا وجود دارد، طراحی بازی‌ها خودش یک فن و رشته است، این نشان می‌دهد که این‌ها ابزاری برای اهدافی شده است. (البته همچنان سرگرمی هست چون اگر نباشد آن لازم را ندارد) ضمن اینکه این سرگرمی خودش اهدافی را تعقیب می‌کند، حالا نه صرف اهداف اقتصادی، چون بعضی از بازها و سرگرمی‌ها به گونه ای است که صنایع و بازاری که در رابطه با آن‌ها وجود دارد گاهی در بعضی از کشورها تولیدشان برابر تمام صادرات نفت ما یا یک کشور اسلامی دیگر است، بحث اقتصادی آن سر جای خود و این مطلب الآن منظور ما نیست، اما آنچه مهم است این است که در خود بازی تحول بنیادی پیدا شده است. خود بازی و سرگرمی الآن سرگرمی محض نیست، واقعاً هدف بسیار جدی با آن محقق می‌شود. این مطلب جدیدی است و در دنیای قدیم به این شکل نبوده است.

درست است که در سبق و رمایه تا حدی این طور بوده است و خیلی از سرگرمی‌ها برای رفع خستگی بوده است ولی الآن بازی‌هایی وجود دارد که برای تقویت هوش و حافظه است، برای زبان آموزی و امور دیگر است. بازی دقیقاً یک ابزار آموزشی شده است، یک ابزار تبلیغی و یک ابزار فرهنگی شده است. این پدیده جدیدی است و به شکل گسترده و دامنه دار آن در عصر قدیم نبوده است، لذا در این عصر هم تنوع بازی‌ها خیلی بیشتر شده است و هم این تنوع روی یک فلسفه خاص و تعقیب اهداف خاص تنظیم شده است.

### احتمالات در مسئله

به این شکل ممکن است یکی از این دو حرف را بزنیم. یکی از آن‌ها یک مقدار جرئت بیشتر می‌خواهد و یکی از آن‌ها راحت‌تر است.



## احتمال اول

آن حرفی که جرئت بیشتر می‌خواهد این است که کسی بگوید موضوع جدید است. این موضوع شکل آن مثل قبل است ولی واقعیت آن خیلی عوض شده است و مثلاً یا لهو لعب نیست یا لهو و لعبی که در روایات هست منصرف از این لهو و لعب است و اینکه آیا این بازی و سرگرمی خوب است یا بد است، باید دید فلسفه و هدف آن چیست. اگر چیزهای خوب است، آن هم خوب است و اگر چیزهای بد است، بد است و الا آن اطلاقات مذمت لهو و لعب در اینجا جاری نمی‌شود لتبدل الموضوع.

مثل همان چیزی که در معامله در عذر و فضولات یا خون بوده است، این‌ها زمانی منفعت محله‌ای نداشته است و خرید و فروش آن‌ها حرام بوده است ولی در دنیای امروز فاضلاب منفعتی دارد که شرکت‌ها در یک شهری قرار داد می‌بندند و میلیاردها به دولت می‌دهند تا امتیاز فاضلاب آنجا را بگیرند و از طریق آن صنعت ایجاد کنند و یا در کشاورزی و سایر موارد به کار می‌گیرند. این قبلاً هم بود و ظاهر آن هم یکی است اما چون الآن منفعت محله دارد فرق می‌یابد و موضوع عوض می‌شود. این یک احتمال است که حداقل همه موارد را نمی‌گوییم اما بعضی موارد این طور است. در بعضی بازی‌ها مثل بازی‌هایی که حالت آموزش دارد واضح است. ممکن است در مثل فوتبال گفته شود که هنوز هم این طور نیست، ممکن است گفته شود خود بازی فوتبال خیلی فرهنگ ساز یا تبدل موضوع نشده است ولی بعضی از اقسام بازی‌ها مثل بازی‌های هوشی، بازی‌هایی که آموزشی هست، در این‌ها ممکن است گفته شود که سرگرمی به معنای قبلی نیست.

این یک احتمال است که به طور مطلق کسی جرئت داشته باشد و بگوید بازی‌ها در دنیای امروز، بازی‌های قبل نیست و ادله قبلی یا مفهوماً یا حداقل انصافاً این‌ها را نمی‌گیرد یا حتی اگر این را هم نمی‌گوییم تفصیل دهیم و گفته شود که بعضی از انواع بازی‌ها شکل مفهوم قبلی سابق را ندارند، بازی‌هایی هست که جنبه آموزشی و تعلیمی و تربیتی و فرهنگ سازی و امثال آن را دارد، یعنی این جهات در آن برجسته است. این یک بحث است که مطلقاً یا در بعضی از موارد بگوییم موضوع عوض شده است و من آن را در حد بعضی از مصادیق بعید نمی‌دانم، البته مطلق آن کمی دشوار است. آن وقت گفته می‌شود که ادله لهو و لعب از این‌ها منصرف است، اگر جهات خوب دارند، خوب می‌شوند و اگر هم ندارند بد می‌شوند یا گر هم هیچ کدام نباشد، مباح می‌شود.

مثل جایی که دلیل می‌گوید ثمن العذرة سحت، می‌گوییم این دلیل انصراف دارد به عذر ای که فاضلاب نبوده است و منفعت محله نداشته است. لهو و لعب را هم می‌گوییم منصرف به بازی‌هایی است که حالت سرگرمی عادی داشته



است، اما بازی که آموزش است و تقویت فکر می‌آورد، گفته شود که ادله مطلقاً یا به نحو تفصیل منصرف از این موارد است.

## احتمال دوم

احتمال دوم که از نظر فقهی راحت‌تر است این است که گفته شود عناوین آموزشی به صورت عنوان ثانوی این موارد را تقیید می‌زند، یعنی دلیل کراهت است و همه این موارد را شامل می‌شود ولی ابزار یا سرگرمی که در راه ارتقاء یک فضیلت یا برای آمادگی دفاعی به کار می‌رود، این عنوان ثانوی آن را جدا می‌کند و این نظر البته راحت‌تر است. وجود این دو احتمال هم مطلب دیگری بود که در اینجا وجود داشت ولی فی‌الجمله عرض کنم به شکل اول یا به شکل دوم یعنی به شکل انصراف یا به شکل بروز عناوین ثانویه، انواعی از بازی‌ها هست که حکم کراهت آن کنار می‌رود یا به این صورت است که ادله کراهت شامل آن نمی‌شود یا اینکه عنوان ثانوی آن را تغییر می‌دهد. نکته اول ما بحث عناوین ثانوی و مقید بود و در نکته دوم تبدل و تغیر موضوع بود و فی‌الجمله بعضی از بازی‌ها و سرگرمی‌ها از شمول اطلاقات خارج می‌شود، یا با همین عناوین کلی به خاطر انصراف ادله به غیر این موارد، یا اینکه عنوان ثانوی حکم را عوض می‌کند.

اگر این مباحث تکمیل شود می‌تواند به عنوان فقه سرگرمی و بازی‌ها مطرح شود و در کنار فقه ورزش و فقه هنر یک مجموعه مرتبطی باشد. هر سه هم در دنیای امروز جزء زندگی بشر امروز شده است. این است که یک طراحی خوب فقهی در این مسئله یک ضرورت است که امیدواریم بتوانیم این کار را انجام دهیم. البته سر نخ‌ها و پایه‌های آن در فقه تربیتی ریخته شده است و می‌شود آن را بسط داد و به جایی رساند.

## نکته سوم: زوایای مسئله

مطلب دیگری هم در اینجا عرض می‌شود. یک بار بحث از این می‌کنیم که خود مکلف حکمش از نظر این سرگرمی‌ها چیست، می‌خواهد بازی کند و از سرگرمی استفاده کند در اینجا فقه در ارتباط با فعل او حکمی از احکام خمس می‌دهد، این یک رویکرد و نگاه است. یک زاویه دومی وجود دارد که آن حاکمیت و حکومت و دولت یا کسان دیگری که سیاست‌گذار و برنامه ریز کلی یک کشور و سبک زندگی مردم هستند. با این رویکرد، حکم چیزهای متفاوتی پیدا می‌کند و من فقط آن را طرح می‌کنم. یعنی اینکه گفته شود وظیفه دولت و حاکمیت و سیاست‌گذاران و برنامه ریزان در حوزه سرگرمی‌ها و بازی‌ها چیست. این هم یک نگاه دیگری می‌خواهد با معیارها و زوایای دیگر. اول



باید نسبت به لهو لعب و انواع سرگرمی‌ها و بازی‌ها تعیین تکلیف بشود و بعد از آن ببینیم که حاکمیت و دولت چه باید بکند. آن هم یک وظایفی دارد.

الآن هم مستحضرید که از موضع سیاست گذاری نظام، مراکز متکفل این امر کمابیش به این مسئله می‌پردازند، یعنی هم ساختارهایی برای این تأسیس شده است، از طریق یا شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مجلس و هم اینکه برنامه ریزی‌هایی راجع به این انجام شده است. آن هم خودش یک داستان دیگر است. یک وظیفه حاکمیت و دولت در طراحی بازی‌ها و هدایت بازی‌ها و سرگرمی‌ها یک مقوله دیگری است که اگر در بحث وظایف دولت و مباحث تربیتی آن را نگفته‌ایم باید به این هم پرداخته شود و امر مهمی است که نمی‌شود از آن غفلت کرد. ممکن است گاهی وظیفه شخصی که مشغول سرگرمی است با وظیفه حاکمیت و نظام تفاوت پیدا کند. قطعاً حاکمیت و نظام اسلامی در برابر این امر نمی‌تواند شانه از زیر بار خالی کند، به دلیل تحولاتی که سرگرمی‌ها پیدا کرده است و نقشی که در زندگی بشر و سبک زندگی بشر دارد از این جهت در قبال او مسئولیت دارد.

مهم‌ترین مسائلی که در اینجا بود عرض کردم. فرصت بحث بعدی را الآن نداریم. بحث بعدی مدح من لا یتستحق المدح است که بعد از تعطیلات عرض می‌کنیم و من فقط روز آخر درس است و در آستانه دهه عاشورا یکی دو جمله کوتاه عرض می‌کنم و انشاءالله بعد از تعطیلات بحث بعدی را شروع کنیم.

### بیاناتی پیرامون دهه عاشورا و امام حسین (علیه السلام)

یک بار دیگر هم گفته‌ام و این جمله را تکرار می‌کنم برای اینکه خیلی جمله زیبایی از ابا عبد الله (علیه السلام) هست. در آستانه عاشورا قرار می‌گیریم. در نامه‌های اباعبدالله الحسین (علیه السلام) که در سفر عاشورا از ایشان صادر شده است، از همه نامه‌ها یک نامه‌ای است که از همه کوتاه تر است و از نظر مضمون عالی‌ترین مضامین در آن است و آن نامه ای است که در سفر پنج شش ماهه حضرت از مدینه تا کربلا آمده است. یکی از نامه‌هایی است که هم بعد معرفتی دارد و هم بعد حماسی و جهادی دارد. آن نامه که حضرت نوشته است این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَمَّا بَعْدُ فَكَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَكَانَ الْآخِرَةُ لَمْ تَزَلْ وَالسَّلَامُ (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص: ۸۷).

همین بود و السلام و هیچ چیز دیگری هم در جمله حضرت نیست. پایه اصل این نامه یک پایه عرفانی و معرفتی است و پیام حماسی و جهادی هم می‌دهد. بعد معرفتی این نامه را به دو شکل می‌شود گفت. یک شکل آن این است که آن قدر این حیات دنیا در برابر حیات جاویدان و ابدی کوچک است و قطعه ناچیزی است که کان لم تکن. یعنی وقتی





انسان به آن سمت عالم برود این قدر مقطع زندگی دنیا کوتاه و کوچک بوده است که «فَكَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ». کان لم یکن شیئاً مذکوراً. دنیا هم به لحاظ فردی برای یک نفر در نظر گرفته شود و هم کل آن در نظر گرفته شود، آن قدر عالم آخرت بزرگ است که «فَكَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ». روایت شاید معتبری باشد که هر روز هفتاد هزار ملک می‌آیند به اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در حرمشان سلام می‌دهند و این‌ها بر نمی‌گردند. هر روز هم این تکرار می‌شود. حجم ملائکه و دنیای بی پایان ملائکه را که در روایت ببیند، دنیا با همه عظمت و بزرگی‌اش مقابل آن خیلی ناچیز است. پس کوچکی دنیا در قیاس با آنجا آن قدر است که «فَكَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ».

«وَكَانَ الْآخِرَةُ لَمْ تَزَلْ»، آن قدر هم آخرت بزرگ است و عظمت دارد، گویا هیچ وقت نمی‌شود پیدا کرد که آخرت چیست. آخرت همه عالم را گرفته است، چه به نگاه فردی و چه به نگاه کلی دنیا را لحاظ کنیم، دنیا این قدر کوچک است که «فَكَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ»، همان طور که «وَكَانَ الْآخِرَةُ لَمْ تَزَلْ». این یک نوع تشبیه است، البته ممکن است عمق آن را نظریه فقر وجودی بگیریم که در حقیقت عالم اصلاً نیست و هستی واقعی مستقلاً از این عالم ندارد. این نگاه عارفانه اساس همه دنیا است. اگر ما به این نقطه معرفتی برسیم که «فَكَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَكَانَ الْآخِرَةُ لَمْ تَزَلْ»، همه چیز حل است. هم غنای روح پیدا می‌کنیم، عظمت روح پیدا می‌کنیم، هم حوادث در وجود ما اثر نمی‌گذارد و نگاه ما هم به یک نکته تکلیف و وظیفه الهی است. اساس دین هم همین است که اتمم الفقراء الى الله و الله غنی حمید. اگر این باور در جان ما ریشه بدواند آن وقت همه چیز حل می‌شود.

اباعبدالله الحسین که این مطلب را در این سفر حماسی و عرفانی و عاشورائی می‌فرمودند هم یک حقیقت ناب معرفتی را به او و همه کسانی که در تاریخ نامه را می‌بینند و می‌شنوند منتقل می‌فرمایند. هم در کنار آن نتیجه عاشورائی و حماسی خود را می‌گیرد. یعنی اینکه ما برای تکلیف الهی آماده شدیم تا از همه وجودمان بگذریم، به خاطر این است و دنیا ارزشی ندارد که مانع از انجام وظیفه الهی شود. دنیایی که «كَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ»، نباید برای ما مانع از انجام تکلیف الهی شود و تکلیف الهی از همه این‌ها مهم‌تر است و اگر کسی این باور را داشت، با خدا معامله می‌کند. معامله با خدا نکته اساسی است که در عاشورا به اوج خودش رسید و عظمت عاشورا به این است که همه چیز با خدا معامله شد، هیچ چیز از انانیت و فردیت و مطامع دنیوی حفظ نشد، همه چیز یک باره قربانی شد و این عظمت عاشورا شد که در آن اوج اخلاص و ایثار تجلی پیدا کرده است.

این نکته را هم خدمت دوستان عرض کنم که ما به عنوان طلبه و روحانی نباید تبلیغ را ولو در حداقل آن رها کنیم، به خصوص در ارتباط با عاشورا و آنچه که به امام حسین (علیه السلام) بر می‌گردد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره ثبت: ۳۱۴۰

---